**١٤ - قضاء محتوم و مشروط**

لوحی از حضرت بهاءالله است قوله الاعلی: "هوالسامع البصير يا ثمرتی و يا ورقتی عليک بهائی و رحمتی محزون مباش از آنچه وارد شده اگر در دفتر عالم نظر نمائی مشاهده کنی آنچه را که همّ و غم را رفع نمايد. يا ثمرتی دو امر از آمر حقيقی ظاهر و اين در مقامات قضا و قدر است اطاعتش لازم و تسليم واجب. اجلی است محتوم و همچنين اجلی است بقول خلق معلّق. امّا اول بايد بآن تسليم نمود چه که حتم است لکن حقّ قادر بر تغيير و تبديل آن بوده و هست ولکن ضرّش اعظم است از قبل لذا تفويض و توکلّ محبوب و امّا اجل معلّق بمسألت و دعا رفع شده و ميشود."

و در مفاوضات از حضرت عبدالبهاء است

قوله العزيز: "قضا دو قسم است يکی محتوم و ديگری مشروط که معلّق گفته ميشود. قضای محتوم آن است که تغيير و تبدّلی (\*تبديلی\*) ندارد و مشروط آنست که ممکن الوقوع است. مثلا قضای محتوم در اين چراغ آن است که روغن بسوزد و تمام گردد پس خاموشی آن حتم است ... همين قسم در هيکل انسانی قوّه‏ای خلق شده که چون آن قوّه زائل گردد و منتهی شود البتّه متلاشی گردد... و امّا قضای مشروط اين است که هنوز روغن باقی است ولی باد شديد وزد و چراغ را خاموش کند اين قضاء مشروط است و (\* احتراز و \*) محافظه و (\*ملاحظه و \*) احتياط از اين مثمر و مفيد است امّا قضاء محتوم که اتمام روغن چراغ است تغيير و تبديل و تأخير نيابد."